

مجله سیاست دفاعی

شماره مسلسل ۲۱-۲۰ پاییز و زمستان ۷۶

## ستیزه‌های قومی و تأثیر آن بر جامعه بین‌المللی<sup>(۱)</sup>

نویسنده: رودلفو استاونین

مترجم: سید محمد میرسندسی

### چکیده

امروزه بحث ستیزه‌های قومی و تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن در ابعاد ملی و بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. چنانکه به عنوان یکی از الویتهای تحقیقاتی برای سازمان یونسکو و کشورهای گوناگونی که بنحوی در معرض این پدیده هستند قرار گرفته است. نوشتاری که در پی می‌آید در سال ۱۹۹۱ نگارش یافته است و حاوی نکات ارزشمندی درباره شناخت پدیده فوق است، که برای علاقمندان به مطالعه و تحقیق در این حوزه کاملاً جدید در علوم اجتماعی میتواند سودمند باشد. تلاش برای تعریف ستیزه قومی، ارائه نمونه‌هایی از ستیزه‌های عینی بوقوع پیوسته در نقاط مختلف جهان، حائلهای مختلف ستیزه ابعاد مختلف ستیزه و برخی مسائل دیگر مرتبط با ستیزه‌های قومی از مواردی است که به آن پرداخته شده است و برای کسانی که در صدد مطالعه در این حوزه باشند، منبع مناسبی برای پیدار کردن موضوع و طرح مسأله می‌تواند باشد.



### ۱- پایداری ستیزه‌های قومی

یک بررسی درباره ستیزه مسلحانه دولتها در سال ۱۹۸۸، نشان میدهد که از مجموعه ۱۱۱ مورد چنین ستیزه‌هایی در دنیا، ۶۳ مورد داخلی بودند و ۳۶ مورد دیگر توسط مؤلفان به عنوان «جنگ رودرروی دولتها» توصیف شده است، باین معنی که

1 - Rodolfo Stavenhagen, Ethnic Conflicts and their impact on international society. International Social Science Journal, Feb. 1991, pp. 117-132.

ستیزه‌ها شامل یک حکومت و یک گروه مخالف<sup>(۱)</sup> خواستار خودمختاری یا تجزیه‌طلبی<sup>(۲)</sup> بخاطر یک منطقه یا قوم است، می‌باشد.<sup>(۳)</sup> که در واقع در سالهای اخیر تعداد جنگهای کلاسیک «بین دولتها» کاهش داشته و تعداد ستیزه‌ای درون حکومتی به ویژه در کشورهای جهان سوم، افزایش یافته‌است. گزارش دیگری به ما می‌گوید که قتل عام انواع گروههای سیاسی و قومی به دست دولتهای حاکم<sup>(۴)</sup> روی هم رفته تلفات بیشتری از تمام اشکال دیگر ستیزه‌های مرگبار دارند..... بطور متوسط، بین ۱/۶ تا ۳/۹ میلیون شهروند غیر مسلح بدست دولتها در هر دهه پس از جنگ دوم جهانی کشته شده‌اند.<sup>(۵)</sup>

با وجود چنین مدارک آشکاری، متخصصین تحقیقات صلح و ستیزه و روابط بین‌المللی در طی این سالها توجه نسبتاً کمی را [به این نوع ستیزه‌ها] مصروف داشته‌اند. عمده توجه<sup>(۶)</sup> ها به رویاروییهای بین دولتها از نوع سنتی آن مبذول شده‌است. یکی از دلایل این حالت آن است که بسیاری از محققان تصور میکنند رویاروییهای قومی مسائل

1 - Opposition

2 - Secession

3- Peter Wallensteen (ed), *States in Armed Conflict 1988*. Uppsala: Uppsala University. Department of Peace and Conflict Research. Report No.30. July 1989.

4 - State - Sponsored

5- Barbara Harff and Ted Robert Gurr, 'Genocides and Politicides Since 1945: Evidence and Anticipation', *Internet on the Holocaust and Genocide*, Jerusalem: Institute of the International Conference on the Holocaust and Genocide, Special Issue 13, December 1987.

6- Kumar Rupesinghe, 'Theories of Conflict Resolution and Their Applicability to Protracted Ethnic Conflicts', in Kumar Rupesinghe (ed), *Ethnic Conflicts and Human Rights*, Oslo: The United Nations University and Norwegian University Press, 1988; also Michael Banks. 'The International Relations Discipline: Asset or Liability for Conflict Resolution?' in Edward E. Azar and John W. Burton (eds.), *International Conflict Resolution: Theory and Practice*, Sussex: Wheatsheaf Books, 1986.

داخلی دولتهایند و احتمالاً [فقط] با دیکتاتورهای / یا حکومت‌های سرکوبگر<sup>(۱)</sup>، ارتباط دارند. و با اینکه انعکاسی از منازعات بزرگتری هستند.

## ۲- نظریه و ستیزه‌های قومی

در سطح تئوریک، همیشه ستیزه‌های قومی را نمیتوان براحتی در مدل‌های تحلیلی مطالعات ستیزه یا جامعه‌شناسی تغییرات و توسعه یافت. در طول دهها سال باصطلاح «الگوی فکری»<sup>(۲)</sup> «نوسازی» بر علوم اجتماعی تسلط داشته‌است، و مطابق این دیدگاه فرایند تغییر اجتماعی از سنتی به مدرن، از ساده به پیچیده، از «خاص‌گرایی»<sup>(۳)</sup> به «عام‌گرایی»<sup>(۴)</sup> شکل می‌گیرد؛ این جریان از مفاهیمی از سنت وبری که پارسونز بسط داده است، استفاده می‌کند. در این چارچوب، موضوعات قومی، موضوعی متعلق به «خاص‌گرایی» یا «ماقبل مدرن» است و توسط فرایند نوسازی در حال کنارگذاری هستند. اگر آنها سر برآرند، به آنها به مثابه «مانع تغییر» یا به عنوان نتیجه «نوسازی ناقص» نگریسته میشود؛ پس بنابراین اهمیت‌شان نزد نظریه پردازان ناچیز است. در خط مشی مشابهی، نظریه‌های «ملت سازی»<sup>(۵)</sup> به فراگیر بودن ماهیت تغییر شکلی واحدهای خرده‌ملی و وفاداری نسبت به سیاست عمومی‌تر اهمیت میدهند. در اینجا دوباره، موضوعات قومی امکان دارد به عنوان مانعی در سر راه فرایند عام‌تر تغییر قلمداد شده باشند.

رویکردهای دیگری ستیزه را بطور بنیادی با منافع اقتصادی ارتباط میدهند، که در کنشگران گروه تمایل به طبقات اجتماعی برحسب موقعیتشان<sup>(۶)</sup> در نظام تولید معین میشود. در جایی که روابط اجتماعی تولید در تعیین رابطه قدرت در جامعه و در سطح بین‌المللی برترند موضوعات قومی ممکن است در درجه دوم تصمیم‌گیری و اهمیت قرار گیرند.<sup>(۷)</sup>

1 - Repressive Government

2 - Paradigm

3 - Particularism

4 - Universalism

5 - Nation - Building

6 - Position

7- For a recent Conceptual approach to Social relations of Production, See Robert W. COX. *Production, Power, and World Order: Social Forces in the Making of History*, New

بنابراین در نظرگاه کلی می‌بینیم که رویکردهای کارکردگرا و مارکسیست از اهمیت موضوعات قومی و ستیزه‌های آن را در «ستیزه و توسعه» غفلت کرده‌اند.<sup>(۱)</sup> در نتیجه، اینجا الگوهای نظری موجود برای طرح تحقیق در این موضوعات معاصر کمتر سودمند هستند.<sup>(۲)</sup>

### ۳- انواع گروه‌های قومی در ستیزه

برای قراردادن ستیزه‌های قومی در جایگاه [نظری] مناسب آن، اشاره به انواع گوناگون وضعیت‌هایی که گروه‌های قومی در آنها به کنش متقابل می‌پردازند، سودمند است. اما پیش از همه، کمترین کاری که ضرورت دارد انجام گیرد، تعریف گروه‌های قومی است، زیرا این واژه به طرز بی‌قاعده‌ای در ادبیات مورد استفاده قرار می‌گیرد و توافق کلی در مورد رعایت مفهوم آن انجام نشده است.<sup>(۳)</sup> برای جلوگیری از اطاله کلام، یک گروه قومی یا قوم مجموعه‌ای است که برحسب معیارهایی قومی به خود هویت داده و دیگران هم [آن هویت] را شناسایی کرده‌اند. این معیارهای قومی عبارتند از عناصر مشترکی از قبیل زبان، دین، تبار، ملیت یا نژاد و یا ترکیبی از آنها و بخش‌هایی که یک احساس هویت مشترک با دیگر اعضای گروه ایجاد می‌کند. چنین تعریف واقعی

York; Columbia University Press, 1987.

1- For an earlier critique of this neglect see Rodolfo Stavenhagen, 'Ethnodevelopment: a Neglected Dimension in Development Thinking', in Raymond Apthorpe and A. Krahl (eds.), *Development Studies: Critique and Renewal*. Leiden: A.J. Brill, 1986.

2- A major Contribution in this field, with strong emphasis on Social Psychology as an explanatory factor, is Donald L. Horowitz, *ethnic groups in Conflict*, Berkeley, Cal, University of California Press, 1985.

3- A Useful tool in ethnicity research is Fred W. Riggs (ed.), *Etnicity, Interocta Glossary. Concepts and Terms used in Etnicity Research*, Honolulu: International Social Science Council (International Conceptual Encyclopedia for the Social Sciences, Volume 1), 1985.

پرسشهای بیشتری نسبت به پاسخ به بار می‌آورد، اما برای منظور مورد استفاده در آشنایی با مابقی مقاله میتواند مفید باشد.

گروههای قومی افزون بر شکلی که تعریف شد همچنین میتواند به عنوان مردم، ملتها، ملیتها، اقلیتها، عشیره‌ها، اجتماعات<sup>(۱)</sup>، بر طبق زمینه‌ها و رویدادهای متفاوت در نظر گرفته شوند. اغلب، گروههای قومی برحسب روابطشان با گروههای مشابه و با دولتها، شناخته میشوند. در واقع، بسیاری از ستیزه‌های قومی در دنیا نتیجه مسائلی هستند که از تغییرات موقعیتی یک گروه قومی درون جامعه وسیع بوجود می‌آید. اکنون برخی از انواع حالات گوناگونی را که دورترین نقاط دنیا مشترک هستند مشخص می‌سازم.

الف) گروههای قومی درون حکومتهایی که خود به عنوان چند قومی<sup>(۲)</sup> یا چند ملتی<sup>(۳)</sup> شناخته میشوند. چنین گروه‌هایی ممکن است براساس زبان (مثلاً در بلژیک و سوئیس)، دین (مانند سیکها، مسلمانان و هندوها در هند؛ مسیحیان و مسلمانان در لبنان)، ملیت (به عنوان مثال در اتحاد جماهیر شوروی) یا نژاد (افریقای جنوبی) هویت یافته باشند. در چنین مواردی که گروههای قومی از ملیت غالب یا اکثریت متفاوت هستند، ممکن است از حقوق مخصوص حکومتها بهره‌مند گردیده و یا نگردند، و آنها معمولاً در یک اقلیت و موقعیت غیرمسلط هستند.

ب) گروههای قومی درون حکومتهایی که به طور رسمی به عنوان حکومت چند قومی شناخته نمیشوند، از قبیل فرانسه، ژاپن، اندونزی، ترکیه، پرتغال و کشورهای گوناگون افریقایی. در اینجا اقلیتها ممکن است براساس [عامل] منطقه‌ای شکل یافته باشند مثل «برتون‌ها»<sup>(۴)</sup> و «کورسیکان‌ها»<sup>(۵)</sup> در فرانسه، یا اسکاتلندیها و ولزیها در بریتانیا؛ یا ممکن است براساس [عامل] نژادی (مثلاً در افغانستان)؛ یا ترکیبی از چند تا از این عوامل، شکل گرفته باشند.

ج) اقلیتهای ملی که در خویشاوندی با گروههای قومی در کشور مجاورشان شناخته میشوند و ممکن است که آنها [در کشور مجاور] دولتهای بزرگی باشند (از قبیل مجارها

1 - Community

2 - Multi-Ethnic

3 - Multi-National

4 - Bretons

5 - Corsicans

در رومانی، ترکها در بلغارستان، آلبانیاییها در یوگسلاوی، چیکانها<sup>(۱)</sup> در ایالات متحده).  
 د) گروههای قومی چندگانه درون یک حکومت که هیچ بهره‌ای از موقعیت سلطه  
 موجود ندارند، بویژه در کشورهای جدیداً استقلال یافته و کشورهایی که پیشتر تحت  
 استعمار بوده‌اند. در این کشورها، خود دولت، نسبتاً ضعیف است و به طور مصنوعی بنا  
 شده‌اند؛ این شرایط در صحرای جنوبی افریقا تقریباً فراگیر است.

ه) اقلیتهای قومی که مابین آنها مرزهای بین‌المللی است و در هر یک از کشورها  
 دارای پایگاه اقلیتی هستند، به طور مثال در مناطق مرزی آسیای جنوب شرقی، و باسک  
 در اسپانیا و فرانسه.

و) پناهندگان و مهاجران قومی ناشی از گسترش مهاجرت بویژه از کشورهای جهان سوم  
 به کشورهای دیگر جهان سوم یا به کشورهای صنعتی. در حقیقت در قرون قبلی  
 مهاجرین تازه اروپایی مناطق گوناگونی را در اطراف دنیا استعمار کردند، و نسلهای آنها  
 گروههای قومی را در بسیاری از کشورها تشکیل دادند (بعضی‌ها به عنوان اقلیت، یا  
 برخی دیگر به اسم اکثریت)، در دهه‌های اخیر جریان مهاجرت در گوشه و کنار دنیا  
 تغییر جهت داده است و مهاجران جهان سوم در حال ساکن شدن در مادر شهرهای<sup>(۲)</sup>  
 پیشین، محله‌های محصور قومی را در کشورهای متعددی تشکیل می‌دهند و مسائل  
 فرهنگی و اجتماعی جدی بوجود می‌آورند.

ز) مردم بومی و طایفه‌ای که مورد خاصی از گروههای قومی را تشکیل می‌دهند. آنها  
 عموماً به این دلیل به عنوان اقلیتها نگریسته میشوند که بواسطه پیشامدهای تاریخی  
 مغلوب شده و به ساختار حکومتهای جدیدالحاق شده‌اند، یا بواسطه تعلق خاطر به  
 سرزمین و قلمروشان و مقاومت در برابر نسل‌کشی<sup>(۳)</sup>، قوم‌کشی و همانند‌گردی<sup>(۴)</sup>  
 [همچنان باقی مانده‌اند] مردم بومی در بین آمریکاییها، استرالیا و نیوزیلند کاملاً یافت  
 میشوند، ولی امروزه بسیاری از مردم بومی گوناگون در جنوب و جنوب شرقی آسیا و نیز  
 «انویت»<sup>(۵)</sup> «سامی»<sup>(۶)</sup> در شمال دور تقریباً به عنوان بومی تلقی میشوند.<sup>(۷)</sup>

1 - Chicanos

2 - Metropolis

3 - Genocide

4 - Assimilation

5 - Inuit

6 - Sami

7-On indigenous Peoples, see Independent Commission on International  
 Humanitarian Issues, *Indigenous Peoples A Global Quest For Justice*, London: Zed Books,

این طبقه‌بندی کلی، تمام شرایطی را که گروه‌های قومی در آن عمل میکنند با دقت مورد بحث قرار نمیدهد، و ممکن است بین مقولات آن همپوشی<sup>(۱)</sup> وجود داشته باشد. ولی بهر حال، در ارائه شرایطی که ستیزه‌های قومی رخ میدهند شیوه‌ای مفید است.

### (۱-۳) تنوع ستیزه‌های قومی

واژه «ستیزه قومی» در عمل دامنه وسیعی از وضعیتها را در برمیگیرد. در واقع، ممکن است استدلال شود که ستیزه قومی به معنی واقعی آن وجود ندارد. بلکه آنچه هست ستیزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مابین گروه‌هایی است که یکدیگر را بر مبنای معیارهای قومی یعنی «رنگ، نژاد، دین، زبان، خاستگاه ملی» می‌شناسند. بسیاری از ویژگیهای قومی ممکن است دیگر خصوصیات مشخص کننده را در برگیرند، از قبیل منافع طبقاتی و قدرت سیاسی، که در تجزیه و تحلیل ممکن است عناصر مهمتری را در ستیزه ارائه کنند. با وجود این، وقتی تمایزات قومی به طور آگاهانه یا ناآگاهانه برای مشخص کردن کنشگران رقیب در یک شرایط ستیزه‌ای مورد استفاده قرار گیرد - بویژه هنگامی که آنها نمادهای بسیج کننده نیرومندی باشند، که معمولاً هم با چنین است - آنگاه قومیت به عنوان عاملی تعیین کننده در ماهیت و پویایی ستیزه عمل میکند.<sup>(۲)</sup>

محققین معمولاً مابین نظامهای رتبه‌بندی شده<sup>(۳)</sup> و غیر رتبه‌بندی شده<sup>(۴)</sup> روابط درون قومی، تمایز قائل میشوند. گرچه مواردی وجود دارد که حد وسط قرار دارند. در نظام‌های غیررتبه‌بندی شده و در عین حال به شدت تقسیم‌بندی شده، زمانی ممکن است مابین گروه‌هایی که از ثروت و قدرت بطور نسبی مساوی برخوردارند، ستیزه‌های قومی روی دهد که یا چند گروه بهراسند یا دریابند که موقعیتشان در برابر گروه قومی دیگر میخواهد تضعیف شود. در اینجا، ستیزه قومی ممکن است محلی، جزئی و بدون دخالت قدرت سیاسی مرکزی باشد. به هر حال، بطور مستدل، امروزه ستیزه قومی در اغلب موارد یک نظام لایه‌بندی شده یا رتبه‌بندی شده از روابط درون قومی را دربر

میگیرد و افزون بر اینکه گروههای قومی در سطحی از قدرت، منزلت و ثروتند و به طور کلی در موقعیت روابط برتر و پایین تر با یکدیگر جای دارند، به طور مهمتر قدرت مرکزی و دستگاه حکومت را کم و بیش یک قدرت یا قبیله بزرگی اداره میکند و قوم یا اقوام کوچکتر در شرایطی حاشیه‌ای زندگی میکنند.

در نظامهای قومی رتبه‌بندی شده یا قشر بندی شده<sup>(۱)</sup> اغلب، یک گروه قومی ممکن است به طور عینی خود، یک طبقه اجتماعی باشد یا اینکه گرایش به همانندی داشته باشند. برای مثال توجه کنید به: فاصله قومی کارگران مهمان از جهان سوم در اروپای غربی، تاریخ سیاهان در ایالات متحده، کارگران زراعی تامیل در سریلانکا، مردم بومی امریکای لاتین، افریقاییها در افریقای جنوبی و نظایر آن. بهرحال، قشر بندی قومی صرفنظر از وابستگی طبقاتی اعضای یک گروه قومی، همچنین پدیده‌ای است که خودش حضور دارد. در نظامهای لایه بندی شده، ستیزه‌های سیاسی و اجتماعی ممکن است بعنوان ستیزه قومی بروز کند و معمولاً این امر بر قدرت دولت تأثیر می‌گذارد، و الگوی نهادی‌ای<sup>(۲)</sup> را که قدرت دولت براساس آن شکل گرفته است، تهدید میکند. ستیزه‌های قومی عمده در دهه ۱۹۸۰- خواه در لبنان، سریلانکا، هند، تیمور شرقی، ایرلند شمالی، قبرس، اریتره، برونوئی، افریقای جنوبی، صحرای غربی، نیکاراگوئه - که طنین انداز موارد قدیمی تری مثل نیجریه، پاکستان یا کانادا است، افزون بر اینکه یک رویارویی مابین گروههای قومی است، رودروئی چنین گروهی با دولت قوم سالار<sup>(۳)</sup> است، باین معنی که دولت را یک گروه قومی مسلط اداره میکند.

استمرار چنین ستیزه‌هایی در دوره‌های نسبتاً طولانی و خشونت شدیدی که ممکن است همراه آنها باشد، برخی از محققین را به سمت تمایزگذاری مابین «ستیزه‌های منفعتی»<sup>(۴)</sup> و «ستیزه‌های ارزشی»<sup>(۵)</sup> یا «ستیزه‌های هویتی»<sup>(۶)</sup> هدایت کرده است. معمولاً ستیزه‌های قومی از نوع دوم هستند، بدین معنی که اهداف یا موضوعات گروه‌های در ستیزه به سمت عوامل محدود کننده طرفین<sup>(۷)</sup> یا ناسازگار گرایش دارند، و

1 - Stratified

2 - Insitutional Model

3 - Ethnocratic State

4 - Conflicts of interest

5 - Conflicts of Values

6 - Identity Conflicts

7 - Mutually Exclusive



بنابراین به سختی رفع میشوند. پاره شدن اشتراکات قومی که «ای. آذر»<sup>(۱)</sup> از جمله کسانی است که درباره‌اش صحبت میکند - بعنوان یکی از ریشه‌های استمرار ستیزه‌های اجتماعی که بسیاری از کشورهای دنیای امروز را آزاد میدهد، شناخته شده است.<sup>(۲)</sup> یکی از دلایل شناخته شده این تقسیمات، تقریباً مدل جهانی «دولت - ملت»<sup>(۳)</sup> میباشد که از ملیت‌گرایی<sup>(۴)</sup> اروپایی قرن هیجده و نوزده الهام گرفته است و به عنوان الگو در دولت‌سازی در اکناف جهان، بویژه بعنوان یک میراث نظام استعماری، بکار رفته است. ستیزه‌های قومی متعددی به علت‌های همگن کردن<sup>(۵)</sup>، انسجام بخشیدن به مدل دولت - ملت، پیدایش ایدئولوژیهای رسمی، انواع مختلف سیاستهای حکومتی، طرز تلقی‌های<sup>(۶)</sup> اجتماعی و رفتار سیاسی مسلط و تناقض یافتن با هویت اجتماعی و قومی گروه‌های زبردست، روی میدهد. وقتی ایدئولوژی دولت ملی مسلط، در تطابق دادن تفاوت قومی و فرهنگی ناتوان میشود، احتمال طولانی شدن ستیزه‌های قومی افزایش پیدا میکند. فرهنگ کشی\* یا قوم‌کشی که بطور فراوان به همراه چنین ستیزه‌هایست، به طور مشترک در بسیاری از نقاط دنیا رخ میدهد.

ستیزه قومی میتواند در شکلهای متعددی نمودار شود، که طیف وسیعی را دربر میگیرد: از رفتار فردی انزوای طلبانه، دشمنانه و انحصار طلبانه گرفته که با رفتار کلیشه‌ای، پیشداوری، عدم تجمل و تبعیض در سطح روابط بین افراد همراهی میشود؛ تا اعمال سیاسی نهادی جنبش‌های جدایی طلب، برخوردهای خشونت‌آمیز که ممکن است به شکل آشوب درآید، کشتارها، قتل عامها، شورشها، سرکشیها، انقلاب، تروریسم، جنگ شهری، جنگهای آزادیبخش و جنگ بین دولتها.

مقایسه بین‌المللی شرایطی که ستیزه‌های قومی در آن روی میدهد، نشاندهنده فراگیر بودن مسائل یکسان و تکرار شونده‌ای هستند که الهام بخش بسیجهای قومی بوده و پایه بسیاری از ستیزه‌های قومی هستند. این مسائل شامل تخصیص منابع و قدرت

1 - E.Azar

2- Edward A.Azar, 'Protracted International Conflicts: Ten Propositions', in Edward A.Azar and John W.Burton(eds.) op,cit.

3 - Nation-State

4 - Nationalism

5 - Homogenizing

6 - Attitud

\* - Cultural Genocide

مابین گروه‌های قومی، مسئله زمین و قلمرو (سرزمین بومی، استعمارگری، زیست‌گاه، مهاجرت و...)، زبان، دین، هویت فرهنگی، و تبعیض‌های مبتنی بر نژاد و رنگ پوست، میشوند.<sup>(۱)</sup>

(۲-۳) چهار مورد [از ستیزه‌های قومی]

نظری اجمالی به چهار ستیزه قومی عمده جهان که در دهه ۹۰-۱۹۸۰ رخ داده‌اند، نحوه دخالت عوامل فوق را روشن می‌سازد.

۱- در ایرلند شمالی، ریشه‌های تاریخی ستیزه مابین اکثریت پروتستانی را که آرزوی پیوستگی و اتصال به بریتانیا دارند و اقلیت کاتولیکی که مشتاق اتحاد با جمهوری ایرلند هستند، به قرن شانزدهم برمی‌گردد. کاتولیک‌های ملی‌گرای ایرلند بطور موروثی احساس می‌کنند که در برابر سلطه پروتستانی‌های وحدت‌گرا<sup>(۲)</sup>، از آنها متمایزند و زیر دست بوده‌اند. تصمیم جدا کردن ایرلند توسط بریتانیا در سال ۱۹۲۰، نتوانست این ستیزه طولانی را حل کند، و پس از آن، بطور خشونت باری در سال ۱۹۶۹ سر برآورد. تحمیل اداره مستقیم توسط لندن در سال ۱۹۷۲، فایده خاصی برای حل مشکل نبود: اعلام توافق انگلیس - ایرلند در سال ۱۹۸۵، به طور کلی به عنوان یک ابزار عملی و متوازن شناخت هویت و منافع هر دو جامعه در ایرلند شمالی خوشایند بوده است، اما هم توسط جمهوری خواهان سنتی و هم پروتستانی‌های وحدت‌گرا مورد مخالفت قرار گرفته است.<sup>(۳)</sup> راه حلی زود هنگام برای این ستیزه بعید بنظر می‌رسد.

۲- ستیزه در سریلانکا چندین مرحله را پشت سر گذاشته است. اقلیت تامیل به واسطه دین و زبان از اکثریت سیلانی متمایز گردیده است و اکثراً در شمال جزیره متمرکزند، جایی که بیشتر از دوست سال قبل در آن ساکن شده‌اند. خرده‌گروهی از

1- Cf. Jerry Boucher, Dan Landis and Karen Arnold Clark (eds.), *Ethnic Conflict, International Perspectives*, London: Sage Publications, 1987.

2 - Unionist Protestants

3- Tom Hadden and Kevin Boyle, 'Northern Ireland' Conflict and Conflict Resolution' and Paul Arthur, 'The Anglo-Irish Agreement: Conflict Resolution or Conflict Regulation?', in Kumar Rupesinghe (ed), op.cit.

نیروهای کار کشاورزیِ تامیل هند را بریتانیا در خلال قرن نوزده و اوائل قرن بیستم برای کار در آملاک چای در کوهستانهای مرکزی آورده بود. به محض استقلال، جامعه سیلانی احساس کرد که تامیل‌ها امتیازات سیاسی و اقتصادی بی‌اندازه‌ای بدست آورده‌اند. [بر این اساس] ابتدا شهروند بودن غالب کارگران تامیل هندی را انکار کردند، سپس تنها زبان سیلانی را مجاز دانسته و در تشکیلات جدید دانشگاه برای ورود جوانان سیلانی امتیازات خاصی در نظر گرفتند و سرانجام مذهب بودا را به عنوان دین رسمی استوار ساختند. به هر حال، بعضی از این اقدامات الغاکننده [امتیازات تامیلی‌ها] بود و برخی دیگر از ارزشهای آنها کاسته بود، و در واقع در این شرایط تامیلها احساس میکردند که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. قوم تامیل در برابر تصفیه توسط سیلانی‌ها (بیگانگان)، در دفاع از سرزمین‌شان مطالبه سیاسی «خومختاری محلی» یا «فدراسیون» را مطرح کردند. در نهایت، سازمانهای جنگ طلب تامیل تقاضای تشکیل حکومت مجزای تامیل را کرده و ستیزه مسلحانه را برای دستیابی به هدفشان آغاز کردند. پس از چندین شورش خشونت‌بار که در آنها صدها نفر تامیل کشته یا بی‌خانمان شدند (در سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵) و عده بیشتری در شمار آوارگان بین‌المللی و داخلی درآمدند، ستیزه به سمت یک جنگ داخلی<sup>(۱)</sup> تمام عیار کشیده شد. جنبش تامیل کمکهایی را از طرفدارانش در ایالت تامیل نشین جنوب هند دریافت میکرد و حکومت سیلان به سیاست پیروزی نظامی با نام حق حاکمیت ملی<sup>(۲)</sup> روی آورد. در شرایطی که نزاع همراه با افزایش تعداد قربانیان ادامه داشت و هیچ راه حل روشنی وجود نداشت، توافقنامه‌ای در سال ۱۹۸۷ مابین سریلانکا و هندوستان امضا شد، که [در آن] بر مداخله نظامیان هندی جهت تضمین ترک مخاصمه و به رسمیت شناختن برخی از خواسته‌های تامیل‌ها، تصریح شده بود. در سال ۱۹۹۰، به تقاضای سریلانکا، هند نیروهایش را عقب کشید. جنبش چریکهای تامیل که در واقع بواسطه نظامیان هندی متلاشی نشده بود، رضایت خود را در مورد مذاکره با حکومت مرکزی اظهار کرد. اما در این اثناء، جنبش افراطی ناسیونالیست - بودایی سیلانی‌ها به اقدامات خشونت‌آمیز در برابر حکومت مرکزی اقدام کردند، و در برابر، حکومت را وادار به انجام عمل خشونت‌آمیز کردند. دوباره، صدها تن از شهروندان قربانی این قضایا شدند. در اوایل سال ۱۹۹۰، پس از خروج نیروهای هندی،

میزان خشونت در ظاهر کاهش یافته ولی یک راه حل سیاسی به هنگام برای حل ستیزه هنوز نمایان نگردیده است.<sup>(۱)</sup>

۳- انقلاب ۱۹۷۹ ساندنیستها در نیکاراگوئه، پس از چندسال جنگهای چریکی، موفق به سرنگون ساختن دیکتاتوری سی ساله و استقرار حکومتی انقلابی و مردمی گردید. به اقتضای ماهیت مارکسیستی رهبری جدید، حکومت به زودی قربانی جنگی محدود همراه با تحریم اقتصادی شدید و تلاشهایی برای براندازی آن توسط ریگان، گردید. آنها برای مقاومت و دفاع از انقلاب و حق حاکمیتشان، که در برابر امپریالیسم به خطر افتاده بود، علاقمند به تثبیت کنترل مؤثر بر تمام کشور گردیدند. این امر آنها را در ستیزه مستقیم با میسکیتوها<sup>(۲)</sup> و دیگر مردم بومی سواحل آتلانتیک، ناحیه‌ای که هرگز بطور مؤثر با ساختار سیاسی مرکزی نیکاراگوئه انسجام نداشته است، قرارداد. به اقتضای برخوردهای مداوم کاراییها با بریتانیا و ایالات متحده و نفوذ کلیسای موراوین<sup>(۳)</sup> که به طور اساسی توسط مبلغین مذهبی آمریکایی شکل گرفته بود، بسیاری از میسکیتوها که در مدارس مبلغین مذهبی آمریکایی در طول خط ساحلی آموزش دیده‌اند، به انقلابیهای اسپانیایی زبان نواحی غرب که حالا حکومت مرکزی را در اختیار داشتند و میخواستند شیوه زندگی<sup>(۴)</sup> و فعالیتهای اقتصادی و سرزمین سنتی میسکیتوها را اصلاح کنند، اعتماد نداشتند. در واقع، ساندنیستها میل طبیعی کمی برای پاسخگویی به تقاضاهای قومی آنان داشتند و مخالفتهایی را که نسبت به سیاستهای انقلاب مطرح میشدند حمل بر فعالیتهای ضد انقلابی میکردند. بازداشتها، اخراج، جابجاییها و برخی از رویدادهای خشونت‌آمیز در سال ۱۹۸۱، عده‌ای از میسکیتوها را که در واقع تابعیت آمریکا را پذیرفته بودند، در «کنترا» متحد گردانید و برخی از اجتماعات میسکیتوها در طول رودخانه «کوکو» در مرز هندوراس پناه گرفتند. برخی دیگر برای رسیدن به اهدافشان کار در ساختار سیاسی جدید را انتخاب کردند.

در سال ۱۹۸۵، رژیم ساندنیستها متوجه اشتباه خود شد و روند جبران خطای سیاستش را در پیش گرفت. پس از مذاکرات طولانی، در قانون اساسی جدید نیکاراگوئه در ۱۹۸۸ خودمختاری منطقه‌ای برای اجتماعات خط ساحلی آتلانتیک در نظر گرفته

1- Kumar Rupesinghe(ed), op.cit.,Part V,'The Tamil/Sinhalese Conflict in Sri Lanka.

2 - Miskito

3 - Moravian

4 - Life-Style

شد ولی هنوز حکومت مرکزی کنترل خود را بر بخش وسیعی حفظ کرده بود. بسیاری از پناهندگان از خارج بازگشتند، عده‌ای سلاح را بر زمین گذاشته و متعهد شدند که به فعالیت سیاسی قانونی بازگردند، ولی عده بیشتری سرپیچی از ساندنیستها برای کسب خودمختاری منطقه‌ای مؤثر در ساختارهای جدید را ترجیح دادند.<sup>(۱)</sup> در رأی‌گیری اوایل سال ۱۹۹۰، حکومت ساندنیستها از مسئولیت کنار رفته و مخالفین به قدرت رسیدند. اکثریت میسکیتوها بر ضد حکومت انقلاب رأی دادند. حکومت جدید چگونه با موضوع خودمختاری برخورد خواهد کرد، مسئله‌ای است که تا زمان این نوشته هنوز به صورت یک پرسش باز مطرح است.

۴- در ایالات باسک اسپانیا، ناحیه اوئسکای<sup>(۲)</sup>، ناسیونالیسم محلی به عنوان یک نیروی سیاسی در قرن نوزدهم ظهور کرد. پس از آن حکومت مرکزی اسپانیا نهادهای حقوقی محلی دیرپای<sup>(۳)</sup> را موقوف ساخت. در همان موقع، مراحل اولیه صنعتی شدن<sup>(۴)</sup>، مهاجران را از هر سویی می‌آورد و ستیزه طبقاتی را افزایش میداد. در طی حکومت دیکتاتوری فرانکو که زبان و دیگر مظاهر قومی باسک تحت فشار قرار داشتند - ناسیونالیسم باسک رشد کرد، و در سال ۱۹۷۰ سازمان جدایی بخش نظامی که تحت عنوان ETA شناخته شده، از حربه‌های تروریستی برای چیرگی در منطقه استفاده کرد. باسکی‌ها نه تنها به نهادهای سنتی شان وفادار ماندند بلکه در زبان و ملاحظات دیگرشان که دارای خصلت نژادی میباشد خود را از دیگر اهالی اسپانیا جدا ساختند. با وجود اینکه تضمین خودمختاری محلی را قانون اساسی جدید و قانون خودمختاری محلی سال ۱۹۷۸ پیش‌بینی کرده بود، تأثیرات منطقه‌ای بحران اقتصادی، همچنان در بین مردم همراهی با جنبش ناسیونالیست را زنده نگهداشته بود. این [قانون] تقریباً پشتیبانی از باسکها را در اوئسکای شمالی یعنی در مجاورت فرانسه پذیرفته بود ولی ناسیونالیسم باسک در اینجا مسئله کوچکی است. حکومت‌های فرانسه و اسپانیا در مبارزه با تروریسم ETA به توافق مشترکی رسیده‌اند. در حال حاضر، شرایط برای حل صلح‌آمیز مسئله در چارچوبی دموکراتیک بنظر امکانپذیر میرسد، اما برخوردهای تنش‌زا و خشونت‌آمیز بین ناسیونالیستهای افراطی باسک و نیروهای بازدارنده حکومت مرکزی

1- Kumar Rupesinghe(ed) , op.cit,Part IV,'Ethnic Conflict in Nicaragua'

2 - Euzkadi

3 - Long Standing

4 - Industrialization

هنوز بحرانی است، و اختلاف و دسته‌بندی‌های ناسیونالیستهای باسک هنوز آنها را برای توافق در اتخاذ یک استراتژی مشترک آماده نکرده است.<sup>(۱)</sup>

نکات عمده موارد فوق نشان می‌دهد که وقتی یک ستیزه قومی مابین یک گروه قومی اقلیت و یک قوم مسلط که قدرت حکومت را در دست دارد، روی می‌دهد، در آن حال، مکرراً مفهوم ملت و ماهیت دولت مورد پرسش قرار می‌گیرد. در چارچوب ایدئولوژیهای دولتی مسلط زمان ما، این نوع از ستیزه‌ها، ثبات نهادهای کشور را تهدید میکنند و ضعف ساختارهای سیاسی موجود را هدف قرار می‌دهند. وقتی دستگاههای سیاسی دربرگیرنده اجماع گروههای هم‌ستیز موجود نباشد، یا فعالیتی [در آن جهت] انجام نگیرد آنگاه رجوع به خشونت توسط یکی از گروهها محتمل است و این امر به نوبه خود، برانگیزاننده صعود متناوب خشونت و خشونت متقابل است.

در موارد مذکور، تمام عناصری که عموماً با ستیزه قومی ارتباط دارند کم و بیش در همه ستیزه‌ها حضور دارند. البته نیاز به توضیح نیست که تمام عناصر در همه موارد حضور ندارند. به عنوان مثال: مسئله توزیع نابرابر اقتصادی یا قدرت سیاسی، مشکل اداره سرزمین و قلمرو، ستیزه بر سر زبان، تعیین هویت مذهبی گروهها، مسئله هویت جمعی<sup>(۲)</sup> و عزت نفس<sup>(۳)</sup>. مسئله حفظ مرزها، تصور کلیشه‌ای از دشمن، اضطراب و ترس از یکدیگر به وجود آمده ناشی از ادراکات متفاوت از مسائل در معرض خطر،

1- Fernando Reinares, *Violencia y Política en Euskadi*, Bilbao "Desclée de Brouwer, 1984; Philippe Oyamburu, *L'irréductible Phénomène Basque*, Paris: Editions Entente, 1980; Patrick Busquet, Claude Vidal, *Le Pays Basque et sa Liberté*, Paris: Le Sycomore, 1980; Robert P. Clark, 'Euzkadi: Basque Nationalism in Spain Since The Civil War', in Charles R. Foster (ed), *Nations Without a State. Ethnic Minorities in Western Europe*, New York: Praeger, 1980; J. Martin Ramirez and Bobbie Sullivan, 'The Basque Conflict', in Jerry Boucher, Dan. Landis and Karen Arnold Clark (eds.), *Ken Medhut Basques and Basque Nationalism in* Colin H. Williams (ed.), *National Separatism*, Vancouver: University of British Columbia Press, 1982.

استفاده و نقش اسطوره‌ها و نمادهای بسیج‌کننده و غیره [از جمله این مواردند].

### (۳-۳) جنبشهای قومی

هدف جنبشها و سازمانهای قومی از ورود به ستیزه، متنوع و مطابق مقتضیات و شرایط میباشد و ممکن است - در واقع اغلب چنین است - در هر زمانی تغییر کند. به این شکل که مثلاً یک اعتراض ساده که در برابر تبعیض یا فشار سیاسی، یا در برابر تبعیض یا فشار سیاسی، یا در برابر مشاهده بیعدالتیها و نابرابریها آغاز میشود ممکن است به تقاضا برای بهره‌مندی کاملاً برابر - یا حد زیادی - از آزادی فردی، یا تقاضا برای خود مختاری منطقه‌ای - یا محلی - بزرگتر منجر گردد و یا به درخواست مشارکت در قدرت سیاسی و تغییرات در ساختار دولت و جدایی و استقلال منتهی شود. معمولاً، جنبشهای جدایی طلب، در زمانهای معاصر هنگامی که در سیاست، اقتصاد و روابط انسانی پر هزینه<sup>(۱)</sup> بوده‌اند بیشتر شکست خورده‌اند. هنوز، هدف جدایی یا تجزیه دولت، بسیاری از جنبشهای قومی را تحریک میکند و این اغلب به عنوان برگ برنده‌ای در گفتگوهای سیاسی توسط آنها مورد استفاده قرار میگیرد. در واقع، هیچ چیز بیشتر از تهدید به جدایی ارضی، دولت قانونی را نمی‌ترساند. از زمان قرارداد وستفاليا<sup>(۲)</sup> مرزهای سرزمینی به علامت مقدس [و غیر قابل نقض] سیستم بین‌المللی تبدیل شده است. برای دولتها این که جمعیتشان را از دست بدهند بهتر از از دست دادن سرزمین و قلمروشان است. همچنین کثرت جنگهایی که بر سر پاره‌های سرزمینی رخ داده است، مانع از آن میشود که جاذبه سرزمینی را دست کم بگیریم، جاذبه‌ای که بعضی از محققین معروف، به طبیعت حیوانی ما نسبت میدهند.

### (۳-۴) دسته‌های قومی<sup>(۳)</sup>

در رابطه با جنبشهای سیاسی - قومی پرشش خاصی که پدید می‌آید در باره ماهیت خود دسته قومی یعنی معنای «قومیت»<sup>(۴)</sup> است. در باره این مسئله دو مکتب فکری

1 - Costly

2 - Westphalia

3 - Ethnic Bonds

4 - Ethnicity

اصلی وجود دارد. «بدوی گرایان»<sup>(۱)</sup> معتقدند که قومیت یک دسته آغازین است در بین اعضای یک اجتماع «طبیعی» که بر دولتهای ملی و نظامهای طبقاتی جدید مقدم است، و سابق بر آنهاست. هویت قومی یک ویژگی همیشگی زندگی گروهی است، هر چند ممکن است در زمانهایی محدود شود و یا فقط بطور مخفی وجود داشته باشد. جهت و کارکرد جنبشهای قومی، در «بیداری» یک قوم و آگاهی جمعی ساخته شده در این باره است؛ به سخن دیگر، به تعبیر ماکس، در تغییر شکل یک «قوم درخود»<sup>(۲)</sup> به یک «قوم برای خود»<sup>(۳)</sup>. بسیاری از اقوام در این رهیافت<sup>(۴)</sup> جای میگیرند. باسک، تامیل و خیلی از اقوام دیگر به یقین مدعی اند که هویت قومی شان پیش از، ستیزه‌های جاری که آنها درگیرش شده‌اند، وجود داشته‌است و [این هویت قومی] برتر است.<sup>(۵)</sup>

ابزارگرایان<sup>(۶)</sup> از سوی دیگر، بر این باورند که قومیت یک حربه سیاسی است که مطابق با مصلحت سیاسی، ایجاد می‌شود، ساخته می‌شود، بکار گرفته می‌شود، تحت نفوذ قرار می‌گیرد یا کنار گذاشته می‌شود. هویت قومی فقط یکی از چند گزینه‌ای است که یک اجتماع معین ممکن است برای منافع خود بکارگیرد، موضوع، «انتخاب عقلانی»<sup>(۷)</sup> است.<sup>(۸)</sup> برای مثال هویت سرخ‌پوستی میسکیتو در نیکاراگوئه، به طور کلی به عنوان یک پدیده نسبتاً جدید در نظر گرفته میشود و به تحقیق، ستیزه‌های سیاسی آن کشور را خوب رشد داده است. در باره هویت فلسطینی‌ها هم ممکن است همینطور باشد، سیکها، اریتره‌ای‌ها، صحرایی‌ها و خیلی گروههای دیگر در دورترین نقاط دنیا که به هویت قومی متوسل شده‌اند در واقع همگی برای رساندن پیام سیاسی شان میباشد. در ضمن اینکه عمومیت دادن هرچیز درست بنظر نمی‌رسد. این احتمال هست که امروزه غالب ستیزه‌های قومی دربرگیرنده آمیزه‌ای از دو نوع عامل باشند: ریشه‌های

1 - Primordialists

2 - Ethnic by himself

3 - Ethnic for himself

4 - Approach

5-

6 - Instrumentalists

7 - Rational Choice

8- Michael Banton, *Racial and Ethnic Competition*, Cambridge: Cambridge University Press, 1983; Donald L. Horowitz, op.cit.; Benedict Anderson, *Imagined Communities, Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*, London: Verso, 1983.



تاریخ هویت قومی، خود ممکن است در آگاهی جمعی<sup>(۱)</sup> باشد، ولی تقریباً به طور هدفمند برای پشتیبانی از بسیج و استحکام موقعیت خود برای عمل سیاسی در یک منطقه معین مورد استفاده نخبگان جنگ طلب قرار می‌گیرد.

#### (۳-۵) نخبگان قومی و توده‌ها

اهمیت رهبران یکی دیگر از موضوعات در ستیزه‌های قومی معاصر است. باین معنی که روابط مابین نخبگان و توده‌ها، بین رهبران و پیروان، بین مبارزین و ناظرین (تماشاچیان) و به بیان دیگر نقش «جلوداز» قوم با دیگر اعضای یک گروه قومی که درگیر یک ستیزه‌اند، برابر نیست. هرچند افراد بواسطه وابستگی قومی‌شان ممکن است قربانیان حقیقی تبعیض یا قتل عام باشند ولی دعاوی و تقاضاهای قوم معمولاً قبل از آنکه اعضا و نفرات قوم از تمام آن آگاهی داشته باشند، بوسیله نخبگان مبارز پروراند شده و تحت قاعده<sup>(۲)</sup> در آمده‌اند، و آنها تنها مجازند که قواعد رهبران را بپذیرند. در واقع، ممکن است شکاف میان دسته‌های گوناگون را نه تنها با توجه به مسائل استراتژیک و تاکتیکی‌شان، بلکه با اهداف ستیزه‌شان، برجسته سازند. بنابراین، در مورد باسکی‌ها، تامیل‌ها، میسکیتوها، جمهوریخواهان ایرلند، فلسطینی‌ها و بسیار دیگر همانند آنان این مسئله وجود دارد. آیا نخبگان قومی واقعاً خواسته‌ها و آرمانهای مردم را بیان میکنند؟ یا اینکه ایدئولوژیهای خود را بر تابعین‌شان و مخالفان و رقبای سیاسی‌شان تحمیل میکنند؟ پاسخ به این پرسش به راحتی ممکن نیست، خود به خود طبیعی است که در وضعیت ستیزه قومی، در میان صفوف یک قوم آماده جنگ به ندرت امکان تصمیم‌گیری دموکراتیک فراهم میشود. هنگامی هم که کم و بیش گفتگوهای دموکراتیک صورت پذیرد (مثلاً در انتخابات ۱۹۷۹ اوئسکای یا همه‌پرسی در کُبک در ۱۹۸۰)، اغلب بیشتر عناصر تندرو، دیگر از سوی مردم‌شان مورد حمایت عمومی عمده‌ای قرار نمی‌گیرند.

#### ۴- بین‌المللی شدن ستیزه‌های قومی

در نگاه اول، در غالب ستیزه‌های قومی معاصر عناصر داخلی دولتهای ملی به طور

بالقوه مشهود هستند. گروه‌های قومی یا با یکدیگر درون چارچوب یک جامعه موجود روبه‌رو میشوند؛ و یا قوم دیگری بر سر قدرت و حقوق خود با حکومت مرکزی منازعه دارد. سیاست‌های دولت ممکن است مسئله ساز یا شاید مناسب باشند؛ موقعیت یا پایگاه قانونی یک قوم اقلیت ممکن است تغییر کرده باشد. در اندازه‌ای که نظام بین‌المللی جدید مبتنی بر حق حاکمیت دولتها بنا نهاده شده است، چنین موضوعات داخلی از دخالت مناسب از سوی جامعه بین‌المللی جلوگیری میکند. برای کسانی که در حال حاضر موافق با این مسئله سخن می‌گویند این میتواند زمینه مطلوبی باشد، اما، در واقع ستیزه‌های قومی و شرایط اقلیتهای قومی با دخالتهای بین‌المللی رابطه طولانی داشته‌اند همان‌گونه که امروزه هم هنوز چنین رابطه‌ای وجود دارد.

دولتهای اروپایی به پشتیبانی از مسیحیان کشور عثمانی علاقمند بودند. چندین معاهده بین دولتها پیش از دوره جنگ جهانی اول درباره پشتیبانی از اقلیتهای ملی یکدیگر امضاء شده بود؛<sup>(۱)</sup> جامعه ملل برای حمایت از اقلیتهای نظام بین‌المللی ای تأسیس کرد که پس از جنگ جهانی دوم آغاز به کار کرد. دوباره، در آن دوره، به تعدادی موافقت‌های دو جانبه میان دولتها در مورد راه و روش اقلیتهای ملی، مذهبی و زبانی رسیده بودند.

#### (۱-۴) خویشاوندی قومی گسترده

اینکه چرا یک ستیزه قومی به خارج از مرزهای ملی کشیده میشود و کنشگرانی را از خارج درگیر میسازد، دلایلی چند میتواند داشته باشد. این پدیده‌ای عادی است که یک گروه قومی در ستیزه، در کشورهای دیگر وابستگی‌های خویشاوندی داشته باشد. برای مثال، تامیل‌های سریلانکا، کردها، باسک‌ها، سیک‌ها، میسکیتوها، کاتولیکهای اولستر [ایرلند]، ترکهای قبرس و بلغارستان، آلبانی‌های یوگسلاوی، مجاری‌ها در رومانی و همینطور سایرین، در کشورهای دیگر گروه‌های خویشاوندی قومی دارند که روی هم رفته گاهی، ولی نه همیشه، از آنان تقاضای کمک‌های سیاسی و مادی می‌نمایند. قیام تامیل‌ها در بین سرزمین تامیل نشین پالک (palk) در جستجوی حمایت است. مبارزین باسک در

1- Francesco Capotorti, *Study on the Rights of Persons belonging to Ethnic, Religious and Linguistic Minorities*, New York: United Nations, 1979; Jay A Singer, *Minority rights, A Comparative Analysis*, Westport: Greenwood Press, 1983.

اوئسکای جنوبی پناهگاهی در سرزمین باسک (pays Basque) فرانسه می‌جوید و مانند آن را اعضای IRA [ارتش جمهوریخواه ایرلند] در جمهوری ایرلند انتظار دارند. جامعه سیکهای بریتانیا و کانادا از منازعه سیکها در پنجاب طرفداری میکنند. مبارزین ناسیونالیست کرد در عراق، ترکیه و سوریه از کشورهای همجوارشان مطابق با شرایط ناپایدار و متغیر کشورهای خاورمیانه پشتیبانی دریافت میکنند. میسکیتوهای مهاجر از نیکاراگوئه پیش از آنکه در نتیجه تغییر شرایط به خانه‌هایشان بازگردند، به جامعه میسکیتویی در مجاورت هندوراس پناه برده بودند. بنابراین خویشاوندی قومی گسترده ممکن است آشکارا به صورت یک عامل نیرومند در ستیزه‌های قومی باشد.

در این راستا با احتیاط میتوان گفت این نظر که ستیزه قومی را یک موضوع درونی دولتها میداند، حقیقتاً بیشتر شبیه یک افسانه فراموش شدنی است. در واقع، این کاملاً منطقی است که هم برحسب یک دلیل ساختگی و هم شاید به دلایل قومی، اگر یک گروه قومی در ستیزه‌ای درگیر شده باشد، برای خویشاوندان قومی خطوط مرزی بین‌المللی یا مسئله حق حاکمیت دولتها مهم نیست و میخواهند که از منسوبینشان حمایت و پشتیبانی به عمل آورند.

این آشکارا مسئله‌ای ستیزه برانگیز است، بدین علت تا اندازه‌ای منطقی بنظر میرسد که اعضای یک قوم توسط دولتها به عنوان خرابکار و خطر بزرگ پنداشته شوند. به یک مورد اشاره میشود: وقتی که جدال بین میسکیتوها و حکومت انقلابی نیکاراگوئه در اوج خودش بود، تعدادی از «سازمانهای بین‌المللی وابسته به بومیان» تکلیف کردند که که بومیان وظیفه دارند به کمک برادران درگیر جنگ خودشان بیایند. البته حکومت نیکاراگوئه که خودش در آنزمان قربانی مداخله بیگانه بود، آگاه شد که این حالت ویژه دعوتی روشن برای دخالت‌های آتی در حق حاکمیت‌اش است. اغلب حکومتها در اقدامات مشابهی و بیشتر برای کم‌رنگ نشان دادن علل محلی یک ستیزه قومی بوسیله حقیقی نشان دادن دخالت خارجی در منازعات داخلی، رفتار میکنند.

#### (۲-۴) حمایت ایدئولوژیکی از خارج

برای مشارکت بیگانه در یک ستیزه قومی دلایل دیگری میتواند وجود داشته باشد. بیشترین وجه مشترک در ارتباط با هواداران ایدئولوژیکی‌ای است که یکی از طرفهای ستیزه را ممکن است تحت فرمان کنشگران خارجی قرار دهد، و اینها در واقع ممکن

است یک ستیزه قومی را فرصتی برای گسترش نفوذ و تقویت ایدئولوژی شان بینند. در باره دخالت‌های لیبی (قذافی) در تعدادی از چنین ستیزه‌هایی بسیار نوشته شده است: به سبب حمایت از جنبش‌های ناسیونالیست رادیکالی مثل ETA<sup>(۱)</sup> و IRA<sup>(۲)</sup> و یا نقشی که در پشتیبانی از قیام مورو در فیلیپین و سپس ترتیب دادن مذاکرات بین رهبری مورو و حکومت فیلیپین، ایفا کرده است. جنبش چپ‌گرا در خلال دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بوسیله «جنبش‌های آزادیبخش ملی» در اقصی نقاط دنیا تقویت شده‌اند. در واقع، گروه‌های محافظه‌کار از دولت‌های درگیر جنگ که دارای ایدئولوژی مشابه هستند حمایت اخلاقی و گاه مادی به عمل می‌آورند و در رویارویی با جنبش‌های قومی تلاش میکنند.

#### (۴-۴) مداخله همسایگان

به یقین دخالت ابرقدرتها در چنیت ستیزه‌های قومی در اکناف جهان چندین برابر شده است. در اتیوپی، اتحاد جماهیر شوروی در درجه اول به لحاظ منافع سیاسی ای که دارد از یک طرف [ستیزه] حمایت میکند و پس از آن [در درجه دوم] برای ایدئولوژی یا قومیت هم‌ارزش قائل میشود. ایالات متحده بطور نظام یافته‌ای از مسیحیان لبنان، از میسکیتوها در مقابل حکومت ساندرنیستهای نیکاراگوئه، از حکومت سریلانکا در برابر قیام تامیل، از حکومت فیلیپین بر ضد مورو و شورشهای قبیله‌ای، از اوامبوس<sup>(۳)</sup> در برابر حکومت آنگولا، از همونگ<sup>(۴)</sup> در مقابل حکومت ویتنام و همینطور دیگران حمایت میکند. در اوایل ۱۹۹۰، سه جمهوری بالتیک استقلال خود را بطور یکجانبه اعلام کردند و در غرب از سوی منابعی که استقلال باسک، ایرلند شمالی، قبرس و پورتوریکو را به رسمیت نمی‌شناسند، مورد همراهی و موافقت قرار گرفتند.

#### (۴-۵) تحمیل تاریخ

امروزه تعدادی از جنبشهای قومی - ناسیونالیستی از دوره‌های پیشتر شکل‌گیری دولت و تشکیل امپراطوری و مانند آن به سمت جریان‌اتی با پیامدهای بین‌المللی گرایش یافته‌اند. اخیراً، در جمهوریهای بالتیک اتحاد شوروی گرایش ناسیونالیستی - که ممنوع

۱- جدایی طلبان باسک

۲- ارتش آزادیبخش ایرلند.

3 - Ovambos

4 - Hmong

بوده است - و مسئله توافقات سرّی بین استالین و هیتلر که طی آن الحاق سه دولت مستقل بالتیک را در ۱۹۴۰ به اتحاد شوروی تصویب کردند، اظهار میشود. هنوز جنبش استقلال طلب پورتوریکو الحاق جزیره‌ای به ایالات متحده در نتیجه جنگ ۱۸۹۸ آمریکا - اسپانیا را نمی‌پذیرد. چندین گروه قومی در هند، به محض اینکه فرصت انجام آنرا داشته باشند و تشکیلات حکومت هند در برخورد با حق حاکمیتشان سستی ورزد، استقلال را خواهند برگزید (سیکیم<sup>(۱)</sup>، مردم قبیله‌ای بیهار و آسام). مورد مشابه میتواند کارن<sup>(۲)</sup> و شان<sup>(۳)</sup> در برمه، همچنین تیمور شرقی و پاپوا غربی که در حال حاضر بخشی از اندونزی اند، باشد. ستیزه‌های صحرای غربی و قبرس منشاء مشابهی دارد. بعضی از این موارد بطور ویژه با سازمان ملل سروکار داشته‌اند، بویژه هنگامی که مسئله خودمختاری<sup>(۴)</sup> مردم مطرح باشد. ولی بطور کلی سازمان ملل به استثنای برخی موارد استعمارزدایی مفتضح مثل نامیبیا، به حق حاکمیت مطابق شکل طبیعی خودش و ملاحظه خود مختاری مردم فاقد حکومت گرایش دارد.

#### (۶-۴) تغییر تعادل جمعیتی - قومی

هنگامی که در پی آمد ستیزه‌های قومی مهاجرت پدید می‌آید و تعادل جمعیتی کشورهای معینی بهم می‌خورد، در آن صورت کشور وطنی مهاجران ممکن است در مواردی نگرانیهای خود را در سطح بین‌المللی یا دو جانبه برای رفاه نسل خود اظهار دارد. بدین ترتیب، هند علاقمندی خود را به سرنوشت هندیان شرق آفریقا و اقیانوس آرام (اوگاندا، فیجی) اعلام میکند. چین دیدی پدران به میلیونها چینی خارجی در جنوب شرقی آسیا و سایر مناطق افکنده است. ترکیه و الجزایر و همینطور دیگران، موافقتهایی را با کشورهای اروپای غربی در ارتباط با وضعیت کارگران مهاجرشان در کشورهای مزبور امضاء کرده‌اند.

#### (۷-۴) مداخله مستقیم

توافق سال ۱۹۸۷ هند - سریلانکا نمونه اخیر مداخله یک قدرت خارجی در ستیزه

1 - Sikkim

2 - Karen

3 - Shan

4 - Self-Determination

قومی بومی است. پیشینه‌هایی چند موجب این مداخله‌گریز ناپذیر شده است، که پیشتر به آنها اشاره شد. افزون بر این، هنگامی که هند مدعی یک قدرت رو به افزایش منطقه‌ای است، با وجود موفقیت کم، تلاش کرده و وظیفه میانجیگری اش را بین مبارزین و حکومت سریلانکا، بخوبی انجام دهد. بر حسب توافق سال ۱۹۸۷ هند - سریلانکا نیروهای هندی مبارزین تامیلی را خلع سلاح کرده و حکومت سریلانکا درخواستهای مشروع معینی از جنبش تامیل را به رسمیت خواهد شناخت. هرچند، در واقع، نیروهای هندی به بهانه بزرگ زندگی انسانها، کمک به احزاب تامیل را محدود کردند، ولی در سریلانکا هم به تامیل‌ها و هم سیلانی‌ها، به عنوان نیروی کار جدیدی می‌نگریستند. در سال ۱۹۹۰، هندیها عقب‌نشینی کردند. در نمونه سریلانکا، مداخله خارجی از الگوی پیش بینی شده پیروی میکند. ابتدا هند با احتیاط از یکی از طرفهای درگیر در ستیزه هواداری کرد (تامیل‌ها)، سپس کوشید در میانجی‌گری نقش داشته باشد، پس از آن به عنوان «صلح طلب» با عقد قراردادی، مداخله نظامی محدودی کرد و سپس ادعا کرد که تلاش دارد نظرات خود را به گروههای در حال ستیز تحمیل کند و در پایان تمام طرفهای درگیر را به خود وا گذاشت.<sup>(۱)</sup>

#### ۵- قومی شدن روابط بین‌المللی

در سریلانکا و همینطور اوئسکای، اولستر، قبرس و بسیاری جاهای دیگر میتوان گفت که ستیزه قومی داخلی که «متراکم شده»، به صحنه بین‌المللی کشیده شده و بین‌المللی شده است. بهر حال، اغلب هنگامیکه ستیزه قومی واقعی یا بالقوه رخ میدهد، روابط بین‌المللی بین دولتها قومیتی میشود. برخی کشورها در سیاست خارجی شان به روشنی بوسیله جانبداری یا ملاحظاتی، قومیت را تحریک میکنند. بازگویی استفاده آلمان نازی از تشکیل قوم آلمان بزرگ برای آماده‌سازی و تدارک جنگ جهانی دوم ضروری نیست. قدرتهای استعماری تا همین اواخر، طرحهای خودشان را با استفاده از

1- K.M.De Silva, 'Indo-Sri Lanka Relations 1975-1989: a Study in the Internationalization of Ethnic Conflict', Paper Presented at the ICES International Workshop on the Internationalization of Ethnic Conflict, 2-4 August, 1989. Colombo, Sri Lanka.

نظریات برتری نژادی<sup>(۱)</sup> اجرا می‌کردند. هنگامی که در برخی آشوبهای سیاسی، در یک کشور جهان سوم، قربانیان، بومی باشند، اهمیتی نمیدهند. بطور مشخص، سیاست خارجی امریکا بویژه بنابه خواسته‌ها و منافع گروههای آمریکایی که در کاخ سفید و لابی‌ها مستقر هستند، دستخوش نفوذ و تغییر است. با وجود اینکه منافع حکومت امریکا در ماندن رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی است، با این حال نمیتواند فشارهای جامعه آفریقایی - امریکایی در برابر آپارتاید، بویژه تقاضای عمومی برای مجازات اقتصادی، بر ضد آفریقای جنوبی را نادیده بگیرد. یکی از دلایل پشتیبانی پیوسته امریکا از اسرائیل، قدرت یهودیان امریکا در کنگره است. جدیداً، آمریکاییهای عرب تبار در حال پی بردن به اهمیت چنین فعالیتهایی برای بیان حمایتشان از اعراب هستند. حمایت امریکا از لهستان در طول سالیانی چند، بیشتر نتیجه کارکرد ایدئولوژی ضد شوروی‌ای بود که تحت فشار جامعه لهستانی‌های ایالات متحده، اعمال می‌شد.<sup>(۲)</sup>

#### ( ۵-۱ ) افکار عمومی

بین‌المللی شدن ستیزه قومی گذشته از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم دولتهای همسایه یا ابرقدرت‌ها، جنبه‌های دیگری هم دارد. افکار عمومی دنیا، بویژه در غرب، با استفاده از وسایل ارتباط جمعی میتواند تحت تأثیر قرارگیرد. اجازه دهید بطور مختصر پوشش رسانه‌های جمعی که در مورد انتفاضه فلسطین و مقاومت سیاهان در آفریقای جنوبی در یک زمان دریافت کرده، بازگو شود، بویژه تا هنگامی که حکومت‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی، محدودیتهای رسمی بر چنین پوششی اعمال میکنند. تقریباً هر شب، تمام دنیا در این ارتباط اخبار دارد. فلسطینی‌ها و شیعیان لبنان، در بین دیگران، فراگرفته‌اند که چگونه از قدرت افکار عمومی در نظم دادن به تأثیرشان بر افکار عمومی دنیا، یا جمع‌آوری هوادار (البته وجود هر دو همیشه یکسان نیست) استفاده کنند.

به اندازه‌ای که ستیزه‌های قومی امروزه در جهان سوم روی میدهد، سازمانهای غیردولتی مختلف و دفاتر داوطلبانه‌ای که در این کشور فعالیت دارند در برخی مواقع در

1 - Racial Supremacist

2- Kenneth Longmyer, 'Black American Demands', and Daud J. Sadd and G.N. Lendermann, 'Arab American Grievances', in *Foreign Policy*, No 60, Fall 1985 (Special Section on New Ethnic Voices)

دخالت‌های بین‌المللی نقش ایفاء میکنند؛ آنها ممکن است از سوی برخی گروه‌های قومی در حال ستیزه حمایت خارجی شده باشند. کردها، میسکیتوها، تامیلی‌ها، تیمور شرقی‌ها، سیاهان افریقای جنوبی و دیگران میتوانند بر پشتیبانی یا جانبداریهای گوناگون چنین سازمانهایی که خارج از اروپای غربی و آمریکای شمالی عمل میکنند، حساب کنند. این مسئله نه تنها تبلیغات خارجی را در مورد گروه قومی خاص آماده میکند، بلکه تهیه منابع و همه نوع کمک برای چنین گروه‌هایی را جهت میدهد.

سازمانهای اعطاءکننده که به جهان صنعتی مربوط میشوند، بطور فزاینده در طرحهای توسعه بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، نقش مهمی ایفا میکنند. در حالی که برخی کمکها به طور مستقیم به سوی طرحهای محلی می‌رود و مردم در حد اجتماع محلی کمک میکنند، نزدیک به تمام این طرحها، بوسیله کارگزاران حکومت محلی سمت دهی شده است. گروه‌های قومی در ستیزه با یک حکومت، بارها از اینکه چنین کمکهایی به آنها نمی‌رسد، یا از آنها مضایقه میشود و در واقع صرف تقویت قدرت حکومت شده است، شکایت دارند. در پی چنین رویدادهایی، سازمانهای اعطاکننده، ممکن است یک کشور معین را تهدید به خودداری کردن از ادامه کمک و یا قطع اعاناتشان کنند، بدین ترتیب برای تأثیر بر رفتار حکومت در ارتباط با چنین ستیزه‌هایی تلاش میکنند. فشارهایی که بر حکومت سریلانکا توسط شرکتهای اعطاکننده گوناگون برای تغییر سیاستش برابر تأمیل‌ها اعمال میشود، نمونه‌ای از این موارد هستند. فشارهای مشابهی در مورد حکومت سودان در ارتباط با درگیری‌های جنوب سودان یا اتیوپی که از ستیزه‌های دیگر و ارتبه حمایت میکند، اعمال شده بودند. البته حکومتها، در برابر اینچنین سیاستهایی که آنها را متوجه دخالت بيمورد در امور داخلی‌شان میکند، به طور متفی واکنش نشان میدهند.

(۲-۵) سازمان ملل متحد

شکل مؤثرتر دیگری از ارتباط بین‌المللی نیرومند و قابل توجه را که وجود دارد، نظام ملل متحد بیان کرده است. تا آنجا که سازمان ملل حق حاکمیت دولتها را به طور محتاطانه قابل احترام می‌شمارد، تحت سه اختیار مشخص زیر میتواند به طور اساسی در ستیزه‌های قومی دخالت کند (همانند انواع دیگر ستیزه‌های داخلی).

الف) وقتی یک ستیزه بیانگر خطر جدی برای بقاء صلح باشد. ب) زمانی که مسئله



دموکراتیک شدن مطرح است. ج) حالتی که حقیقتاً انسانها درگیر خشونت‌های خطرناک هستند. سازمان ملل مأموریت‌های حفظ صلح را در برخی از ستیزه‌های قومی پذیرفته است (لبنان، قبرس) البته تا زمانی که ستیزه تقریباً بین‌المللی شده و یک کشور خارجی مداخله کرده‌بود. برحسب نقش سازمان ملل متحد در فرایند دموکراتیک شدن، مجمع عمومی مقاصد گوناگونی را که معطوف به حق خودمختاری<sup>(۱)</sup> مردم‌اند، پذیرفته است، ولی، اینها همیشه توسط دولتهایی که قدرت عمل در ارتباط با قلمرو و مردم‌شان دارند، مراعات نشده‌است. صحرای غربی و تیمور شرقی موارد مرتبط با این موضوع‌اند.<sup>(۲)</sup>

بخشهای دارای صلاحیت سازمان ملل در سالهای اخیر به طور فزاینده‌ای با موقعیتهای ستیزه که نقض حقوق بشر فراوان در آنها رخ میدهد مرتبط شده‌اند. به یقین، رویه بخشهای صلاحیتدار سازمان ملل که کاملاً دارای حرکت‌گند و طاقت فرسایی هستند، در ارتباط با برخی از ستیزه‌ها با پرسشهای فزاینده‌ای روبه‌رو هستند. کمیسیون حقوق بشر، کمیته حقوق بشر، کمیسیون فرعی برای جلوگیری از تبعیض و پشتیبانی از اقلیتها، میان هیئتهای تخصصی دیگر، موارد نقض حقوق بشر در چارچوب ستیزه‌های قومی را در دست داشته‌است. برای نمونه، در سال جاری، کمیسیون فرعی در باره وضعیت سریلانکا، درگیری چکماس<sup>(۳)</sup> و قبایل دیگر در رشته کوه «چیتاگونگ»<sup>(۴)</sup> بنگلادش، مردم بومی آمریکا، کشتار ارمنی‌ها در هفتاد سال پیش (ارمنی‌ها دوست دارند که سازمان ملل بپذیرد که این قتل عام رخ داده، و حکومت ترکیه این را تکذیب میکند) و همچنین در باره آپارتاید گزارشاتی داده است. گزارشات در باره نقض حقوق بشر که در بخشهای ویژه سازمان ملل تهیه میشود براساس اصول جامعه بین‌المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی و اصول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجمع، تنظیم شده‌است. ستیزه‌های قومی به علت ماهیت، شدت، طولانی بودن، و گاهی غیر عقلانی<sup>(۵)</sup> بودنشان به طور خاص احتمالاً به نقض‌های فراوان حقوق بشر منتج میشوند.

1 - Self-Determination

2- Hector Gros Espiell, *El derecho a la Libre determinacion. Aplicacion de Las Resoluciones de las Naciones Unidas*, New York :United Nations, 1979.

3 - Chakmas

4 - Chittagong

5 - Irrational

## (۵-۳) پیامدهای بین‌المللی شدن

بین‌المللی شدن ستیزه‌های قومی میتواند پیامدهای گوناگونی<sup>۱</sup> برای خود ستیزه داشته باشد. یک محقق پنج الگو را از یکدیگر تشخیص میدهد:

(الف) تحمیل شدن ستیزه بواسطه مداخله بیگانه

(ب) طولانی شدن ستیزه در نتیجه مداخله منافع خارجی

(ج) فروکش کردن ستیزه به سبب ارتباط و فشارهای بین‌المللی

(د) توافق طرفهای ستیزه در پی مداخله یا میانجی‌گری یک طرف خارجی

(ه) جایگزینی ستیزه؛ به بیان دیگر، ستیزه قومی ممکن است بوسیله منافع خاص و غیر قومی طرفهای خارجی و تغییر حالت همه جانبه به نوع دیگری از ستیزه تغییر حالت داده باشد.

## ۶- نتیجه

مطالعه بین‌المللی شدن ستیزه‌های قومی و قومی شدن روابط بین‌المللی هنوز در ابتدای کار است. نظریه‌های بین‌المللی و علوم اجتماعی تاکنون به این حوزه گشوده شده کمتر کمک کرده است. اهمیت جهانی ستیزه‌های بین‌المللی دیگر نمی‌تواند انکار شود یا مورد غفلت قرار گیرد. نظر به اینکه زمینه ستیزه‌های ایدئولوژیک بزرگ در قرن بیستم، نسبت به قبل، کم رنگ شده‌اند، بنابراین، ستیزه‌های هویتی و ارزشی به یقین چشمگیرتر و بدخیم‌تر خواهند شد. اشکال جدید اداره ستیزه و حل آن را باید جستجو کرد. مردم فاقد حکومت که به طور قومی تعریف شده‌اند، در نتیجه کارکردهای سنتی دولت به بازیگران بین‌المللی جدید تبدیل شده‌اند. طرفهای سوم (خواه دولتی یا سازمانهای غیردولتی) درگیر در ستیزه‌های قومی شده‌اند. جامعه بین‌المللی و بویژه سازمانهای چند منظوره جهانی و منطقه‌ای، باید برای برخورد با چالش‌های مطرح شده توسط گروه‌های قومی در ستیزه پیاخیزند.<sup>(۱)</sup>

1- Ralph R.Premdas, 'The Internationalization of Ethnic Conflict: Theoretical Explorations', Paper Presented to the ICES International Workshop on Internationalization of Ethnic Conflict, 2-4 August, 1989, Colombo, Sri Lanka.